



تحلیل محتوای بیانات رهبری در دیدار با پیشکسوتان و فعالان دفاع مقدس و مقاومت

معاونت پژوهش و برنامه ریزی
دفتر مطالعات و تحقیقات



تحلیل محتوای کمی و کیفی فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با پیشکسوتان و فعالان دفاع مقدس و مقاومت

**معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی
دفتر مطالعات و تحقیقات
مهرماه ۱۴۰۳**

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با هزاران نفر از پیشکسوتان و فعالان دفاع مقدس و مقاومت، ضمن تبیین دلایل چرایی آغاز جنگ تحمیلی، به دو عامل «سخن نو» و «جاذبه‌های جمهوری اسلامی» در مقابل نظم فاسد و باطل حاکم بر جهان اشاره کرده و دفاع مقدس را علاوه بر دفاع ارزشمند از وطن، **دفاع از دین و جهاد فی سبیل الله** خواندند.

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با بیان این موضوع که دفاع مقدس، انقلاب و اسلام را زنده نگه داشت و سراسر جبهه‌ها تبدیل به عبادتگاه و دعا و توسل و گریه‌های نیمه‌شب و خدمات بی‌ریا شده بود فرمودند: با وجود چنین روحیه‌ای بود که برغم سختی‌های زیادی که ملت ایران در جنگ هشت ساله متحمل شد، خداوند متعال عزت و نصرت و پیروزی خود را شامل حال این ملت کرد. وی به طور قاطع از لزوم آزادسازی سرزمین فلسطین به عنوان یک کشور اسلامی از دست غاصبان (خیث‌ترین کفار عالم) با عبارت: «حکم قطعی و شرعی این است که همه تلاش کنند فلسطین و مسجدالاقصی را به صاحبان اصلی آن بازگردانند.» ایراد سخن فرمودند.

ایشان همچنین مطابق روال سخنرانی‌های اخیر خود پس از عملیات طوفان‌الاقصی، با اشاره به جنایات رژیم صهیونی در غزه و لبنان، مجاهدت و ایستادگی نیروهای جبهه مقاومت در فلسطین و حزب‌الله در لبنان را از جنس جهاد فی سبیل الله در دوران دفاع مقدس خواندند و پیروز نهایی این صحنه را، **جبهه مقاومت و حزب‌الله** عنوان کرده و بیان کردند: «حزب‌الله لبنان که بخاطر غزه سینه خود را سپر کرده و در معرض حوادث تلخ قرار می‌گیرد، در حال جهاد فی سبیل الله است.»

آنچه در ادامه می‌آید در ۷ بخش مرور و دسته‌بندی و تحلیل اجمالی بر بیانات رهبری و برجسته کردن نکات کلیدی و تحلیل واژگان پر بسامد است که ان‌شاءالله مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

"گزیده بیانات"

بخش اول: «چرایی» جنگ هشت ساله

الف - انگیزه حمله به مرزهای ایران

اینکه بالخصوص پیش کسوتان در هفته‌ی دفاع مقدس مورد توجه قرار میگیرند، به خاطر ارزش پیش کسوتی و پیشگامی در حوادث مهم است؛ سبقت گرفتن و گام نهادن در راه‌های نرفته یک ارزش است. البته هفته‌ی دفاع مقدس متعلق به همه‌ی رزمندگان و مجاهدان و شهدا و خانواده‌های آنها و مانند اینها است، لکن پیش کسوتان و کسانی که زودتر و سریع‌تر و جدی‌تر وارد میدان شدند، یک ارزش مضاعفی دارند. پیش کسوت چه فرمانده باشد، چه رزمنده‌ی عادی باشد، چه پزشک باشد، چه امدادگر باشد، چه جهادگر باشد، چه پشتیبانی کننده باشد،

انگیزه‌ی حمله‌ی به مرزهای
ایران انقلابی مخصوص صدام
و حزب بعث نبود

علت این بود که در این
نقطه‌ی حساس دنیا یک انقلاب
مردمی بی نظیر به وجود آمده
بود و تفکر نوینی را برای
اداره‌ی جهان ارائه کرده بود

همه‌ی اینها مشمول این تمجید و احترام ویژه هستند؛ انواع و اقسام این پیش کسوت‌ها را ما در دوران اول دفاع مقدس دیده‌ایم و نقش آفرینی آنها را هم مشاهده کرده‌ایم.

اما مسئله‌ی چرایی: «چرا این جنگ آغاز شد؟». انگیزه‌ی حمله‌ی به مرزهای ایران انقلابی مخصوص صدام و حزب بعث نبود. شاید بتوان گفت که انگیزه‌ی سردمداران نظم جهانی آن روز از صدام برای حمله‌ی به مرزهای ایران بسیار بیشتر، و حداقل به اندازه‌ی او بود. یعنی آن روز دو قدرت بزرگ در دنیا بودند و هر کدام دنباله‌هایی داشتند؛ آن دو قدرت، آمریکا بود و

شوروی سابق؛ دنباله‌ی هر کدام هم یک مجموعه‌هایی - دولتهایی، نظامهای سیاسی ای - بودند؛ تقریباً همه‌ی اینها در این قضیه انگیزه داشتند. جمهوری اسلامی، ایران اسلامی برای اینها یک عنصر غیر قابل تحمل بود؛ چرا؟ سؤال این است: چرا ایران اسلامی غیر قابل تحمل بود؟ ما که آن روز علیه کسی اقدامی نکرده بودیم. حالا امروز به ما میگویند شما به فلان جا موشک دادید، به فلان جا پهباد دادید، [اما] آن روز که این حرفها نبود؛ [پس] علت دشمنی چه بود؟ این، آن نکته‌ی اصلی است. علت این بود که در این نقطه‌ی حساس دنیا یک انقلاب مردمی بی نظیر به وجود آمده بود و تفکر نوینی را برای اداره‌ی جهان ارائه کرده بود؛ نظم حاکم آن روز بر جهان، این تفکر نوین را نمیتوانست تحمل کند؛ مسئله این بود. آن روز جهان، جهان سلطه بود؛ البته امروز هم هست لکن آن روز سخنی، فریادی، موضع صریحی در مقابل این نظم باطل و نابودکننده‌ی فضیلت‌ها وجود نداشت؛ نظم جهان، نظم سلطه بود.

ب- نظام سلطه چیست؟

«نظام سلطه» یعنی چه؟ دنیا به دو بخش تقسیم میشود: بعضی کشورها سلطه‌گیرند، بعضی کشورها سلطه‌پذیرند؛ شقّ سوّمی ندارد. جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی، نظام اسلامی یک فریاد صریح علیه این نظم بود: «یعنی چه؟ چرا باید سلطه‌گری وجود داشته باشد؟ چرا باید فلان کشور، صرفاً به این دلیل که مثلاً دارای فلان تجهیزات پیشرفته‌ی نظامی است، حق داشته باشد نظر خود را، فرهنگ خود را، خواسته‌ی خود را بر مجموعه‌ای از کشورها تحمیل کند؟ چرا؟». جمهوری اسلامی سخن جدیدی در قبال این نظم باطل بود و زورگویان عالم، سلطه‌گران عالم، این را تحمّل نمی‌کردند؛ میدانستند که این حرف، این فکر، خاصیتش توسعه یافتن در دنیا است - درست فهمیده بودند - و توسعه یافت؛ این فکر در دنیا توسعه یافت و ملت‌ها را جذب کرد.

جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی، نظام اسلامی یک فریاد صریح علیه این نظم بود: «یعنی چه؟ چرا باید سلطه‌گری وجود داشته باشد؟»

همه‌ی اینها منتظر یک فرصت بودند، صدام آن فرصت را برای اینها فراهم کرد؛ آدم جاه‌طلب، قدرت‌طلب، طماع، پُرو، وقیح، ظالم، بی‌ملاحظه، دم‌دست ایران، پشت مرزهای ایران؛ این را تحریک کردند و به کشورمان حمله کرد. امروز بعضی‌ها از داخلِ خودمان جمهوری اسلامی را ملامت میکنند که «جمهوری اسلامی با دنیا بد است، با دنیا قهر است»؛ این خلاف واقع است؛ چنین چیزی نیست. اگر منظور این است که ما با دنیا کار سیاسی، کار اقتصادی، تعامل یا رفت‌وآمد نداریم، خوب واضح است که این خلاف واقع است؛ ما امروز با مجموعه‌هایی کار میکنیم، رفت‌وآمد داریم، تعامل داریم، تجارت داریم که بیش از نیمی از مردم دنیا، در این مجموعه‌ها و در این کشورها زندگی میکنند. این هوشی‌بازی‌هایی که گاهی از بعضی‌ها مشاهده میشود که «با همه قهریم، با همه بدیم»، نه، با همه قهر نیستیم، بد نیستیم؛ اگر مراد این است، درست نیست. اگر مقصود این است که ما با نظم سیاسی نظام سلطه مخالفیم، بله، این درست است.

امروز هم مثل همان اوّل انقلاب، ما با نظام سلطه مخالفیم، با تسلّط آمریکا مخالفیم. امروز دیگر شوروی وجود ندارد، امّا آمریکا در رأس کشورهای غربی و یگه‌تازند؛ می‌بینیم نتایج کارهایشان را: جنگ‌هایی که راه می‌افتد، ظلم‌هایی که میشود، تبعیض‌هایی که صورت می‌گیرد، ملت‌هایی که زیر فشار قرار می‌گیرند؛ ما با اینها مخالفیم، صریحاً هم مخالفت خودمان را ابراز میکنیم. این وضعیتی است که آن روز وجود داشت، امروز هم وجود دارد؛ [امّا] آن روز انگیزه‌ی حمله‌ی به مرزهای ایران شد، و امروز به برکت ایستادگی ملت ایران، به برکت حضور قدرتمندانه‌ی ملت ایران در صحنه‌های مختلف، آن جرئت را دیگر ندارند که به مرزها حمله کنند، و جور دیگری مشغول مود دیگری و مشغول دشمنی کردن و عنادند.

ج- سخنی نو در قبال «نظم باطل فاسد تبعیض آمیز جهانی»

البته اینکه من گفتم کسی در مقابل آن نظم ایستادگی نکرد، قبل از جمهوری اسلامی سالهایی بود که جنبش عدم تعهد بود، ما هم اول انقلاب وارد این جنبش شدیم، تا الان هم این جنبش هست؛ منتها همان کشورهایی که در جنبش عدم تعهد عضو بودند - حدود صد و خرده ای کشور - سران بسیاری از آنها زیر نفوذ همین ابرقدرت ها بودند! بعضی زیر نفوذ آمریکا، بعضی زیر نفوذ شوروی؛ بعضی زیر نفوذ بودند، بعضی از ترسشان اطاعت میکردند؛ از وحشیگری این قدرتهای بزرگ میترسیدند. در یکی از اجلاسهای عدم تعهد، بعد که بنده آنجا سخنرانی کرده بودم، رئیس جمهور یک منطقه ای در دنیا به من گفت همه از آمریکا میترسند، جز شما؛ بعد، سرش را آورد نزدیک و گفت من هم میترسم از آمریکا! میترسیدند؛ بنابراین آن صدایی که با صراحت در قبال نظم غلط جهانی بلند شد، صدای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بود؛ مرکزش هم ایران اسلامی بود که با آن مخالف بودند؛ آن روز هم مخالف بودند، این را ما باید از بن دندان نمیکند. مسئله، مسئله زن و این حرفها نیست؛ مسئلهی انرژی هسته ای و حقوق بشر و حقوق زن و این حرفها نیست؛ سخنی نو در قبال نظم امروز بر دنیا حاکم است؛ مسئله این است؛ با این دعوا دارند، با این مخالفند. و این مخالفت برطرف نمیشود تا وقتی که جمهوری اسلامی و ملت ایران حرف زور آنها را قبول کنند، که قبول هم نخواهند کرد.

مسئله، مسئلهی انرژی هسته ای و حقوق بشر و حقوق زن و این حرفها نیست؛ اینها بهانه است.
مسئله، مسئلهی آوردن سخنی نو در قبال نظم باطل فاسد تبعیض آمیز جهانی است که امروز بر دنیا حاکم است.

د- جاذبه های جمهوری اسلامی

گفتم «جاذبه های جمهوری اسلامی»؛ این تأثیر زیادی داشت؛ یعنی اینها را به وحشت می انداخت. دو جور جاذبه در جمهوری اسلامی بود و هست و باید این دو جور جاذبه حفظ بشود؛ [چون] ملتها را به خودش جذب میکند: یک جاذبه ی سیاسی، یک جاذبه ی معنوی. جاذبه ی سیاسی عبارت بود از همین ایستادگی در مقابل نظم غلط جهانی؛ این جاذبه ی سیاسی دارد. ملتها برعکس قدرتها، برعکس دولتها، دلشان به این جاذبه ی سیاسی گرایش دارد؛ اینکه احساس میکنند در دنیا یک نظامی وجود دارد که با این نظم غلط جهانی، با این زورگویی ها و دخالتهای قدرتها مخالف است، دل اینها را جذب میکند. شما می بینید، رؤسای جمهور ما به هر کشوری از کشورهای اسلامی که مسافرت کردند، ملتها از اینها

دو جور جاذبه در جمهوری اسلامی بود و هست و باید این دو جور جاذبه حفظ بشود:
***جاذبه ی سیاسی**
*** جاذبه ی معنوی**

استقبال کردند، به اینها توجّه نشان دادند، اظهار ارادت کردند؛ [این] به خاطر همین است. در این زمینه حرف زیاد است.

جاذبه‌ی معنوی هم همین توجّه به ایمان الهی، ایمان دینی در نظام اسلامی است؛ این جاذبه دارد، این خیلی جاذبه دارد. در این دنیای مادی، جوانها در همین کشورهای به اصطلاح پیشرفته و متمدّن، احساس پوچی میکنند. این را امروز دانشمندان و متفکران خود آنها هم دارند بیان میکنند؛ احساس پوچی میکنند، احساس بی‌فایده‌گی میکنند، روزه‌روز خودکشی‌ها زیادتر میشود. ایمان دینی به آنها احساس پناه میدهد، دل آنها را گرم میکند؛ خاصیت احساس دینی این است.

بنابراین علت پدید آمدن این حمله‌ی نظامی، تهاجم نظامی به کشور ما، به مرزهای ما که به دفاع مقدّس هشت ساله انجامید، اینها است؛ مخالف بودند. جاذبه‌های جمهوری اسلامی اینها را میترساند، سخن نو جمهوری اسلامی اینها را برمی‌آشف، این بود که این حمله را انجام دادند؛ هشت سال کشور را مشغول کردند. این، آن مطلب اوّل. البته این [مطلب]، جای حرف، زیاد دارد؛ جا دارد کسانی که اهل فکرند، اهل قلمند، در این زمینه بگویند، بنویسند، کار کنند، تبیین کنند.

بخش دوم: گزارش حادثه‌ی جنگ

الف - انواع گزارش‌های جنگ

دو جور گزارش از جنگ میشود داد: یک گزارش، که بنده از آن تعبیر میکنم به توصیف، «گزارش توصیفی»، یک جور گزارش است که گزارش‌شکلی جنگ است: جنگ چه جوری آغاز شد، چه جوری ادامه پیدا کرد، به کجا منتهی شد، وضعیت دو طرف چگونه بود؛ این یک جور گزارش است؛ گزارش توصیفی. یک جور گزارش دیگری هست که آن به نظر من مهم‌تر است: گزارش تبیینی است؛ باطن جنگ را، باطن جبهه را، روح جبهه را برای ما روشن میکند و بیان میکند. جوان امروز احتیاج به اطلاع در هر دو زمینه دارد که باید کار بشود. من همین‌طور اشاره میکنم و فقط سرفصل‌ها را میگویم؛ باید روی اینها کار بشود، تلاش بشود؛ البته بحمدالله کارهای خوبی هم شده، باید ادامه پیدا کند.

ب - گزارش توصیفی جنگ

یک ارتش مهاجمی وجود داشت که به مرزهای ما هجوم آورد؛ یک طرف، طرف مهاجم بود با تجهیزات کامل، و برنامه‌ی از پیش فراهم شده. آن که میخواهد حمله کند به مرزهای ما، از پیش می‌نشیند برنامه‌ریزی میکند دیگر؛ برخلاف ما که مورد حمله قرار میگیریم، غافلگیر میشویم؛ هیچ برنامه‌ای نداریم؛ آن هم اول انقلاب. او با برنامه وارد میدان میشود؛ تجهیزاتش کامل است، سازمان‌دهی‌اش منظم است، برنامه‌اش از پیش آماده شده است، پشتیبانی‌هایش به طور مستمر وجود دارد، سازمان مهندسی قوی دارد، ارتباطات مستحکمی دارد، سلاحهای روز دارد؛ آن روز بهترین تانک‌ها، بهترین هواپیماها را همین ارتش صدام در اختیار داشتند.

پول بی حساب، پول بی حساب! رقم‌های میلیاردی در اختیارشان بود؛ همین‌هایی که میدانید و می‌شناسید، میدادند. آمریکا، شوروی، اروپا همراهی کامل میکردند، پشتیبانی میکردند، هر چه لازم داشت میدادند؛ سلاح‌هایی که فرسوده میشد عوض میکردند. دولت فرانسه بهترین هواپیماهای خودش را، جنگنده‌های خودش را در اختیار صدام گذاشت. دولت آلمان مواد شیمیایی مورد نیاز صدام را در اختیارش گذاشت. دولت آمریکا به طور مستمر اطلاع‌رسانی‌های میدان جنگ را در اختیارش میگذاشت. دولتهای همسایه هم که پول و امکانات در

- * دولت فرانسه بهترین هواپیماهای خودش را، جنگنده‌های خودش را در اختیار صدام گذاشت
- * دولت آلمان مواد شیمیایی مورد نیاز صدام را در اختیارش گذاشت.
- * دولت آمریکا به طور مستمر اطلاع‌رسانی‌های میدان جنگ را در اختیارش میگذاشت.
- * دولتهای همسایه هم که پول و امکانات در اختیارش میگذاشتند.
- * این حاشیه‌ی خلیج فارس یک مسیری بود که به طور دائم کامیونها و تریلی‌های حامل سلاح و تجهیزات و امکانات میرفتند عراق.

اختیارش می‌گذاشتند. این حاشیه‌ی خلیج فارس یک مسیری بود که به طور دائم کامیونها و تریلی‌های حامل سلاح و تجهیزات و امکانات می‌رفتند عراق. یک طرف این جوری بود؛ طرف مهاجم وضعیتش این جوری بود. من در یک گزارشی خواندم که تعداد هواپیماهای جنگنده‌ی صدام بعد از جنگ بیشتر بود از تعداد هواپیماهایش در اول جنگ! با اینکه این همه هواپیمای او ساقط شده بود اما تعداد هواپیمایش بعد از جنگ بیشتر بود؛ یعنی همین طور مرتب و پشت سر هم به او کمک شده بود و داده بودند. این، طرف مهاجم.

طرف مورد تهاجم، یعنی ما، درست نقطه‌ی مقابل؛ تجهیزاتمان ناقص، دستمان خالی، تجهیزاتمان بی‌جایگزین. اول جنگ تعدادی از تانک‌های لشکر ۹۲ را که مقابل دشمن بود، آمدند غارت کردند بردند تصرف کردند، هیچ چیز جایش نیامد. بنده رفتم اهواز، یک تیپ لشکر ۹۲ حدود پانزده شانزده تانک داشت، [در حالی که از لحاظ] سازمانی باید بیش از پنجاه تانک داشته باشد! این جوری بود، چیزی جایگزین نمیشد؛ هر چه از دست میدادیم رفته بود، تمام شده بود! سازمانهای رزمی مان دست خورده بود.

سازمان ارتش از زیر بار جنگ آمده بود بیرون؛ خیلی از فرماندهان عالی ارتش تسلط به داشته‌های ارتش نداشتند. مرحوم شهید فلاحتی، مرحوم ظهیرنژاد از خیلی از چیزهایی که در ارتش بود اطلاع نداشتند؛ علتش هم این بود که اینها قبل از انقلاب منطقه‌ی مدیریتشان یک منطقه‌ی خیلی محدودی بود؛ حالا شده بودند در رأس این ارتش. سپاه هنوز سازماندهی درستی نگرفته بود. اول جنگ سپاه سازمان تیی نداشت؛ گردانهای دویست سیصد نفره تشکیل میشد با یک شکل محدودی، با امکانات محدودی. اینها گاهی اوقات حتی سلاح انفرادی هم نداشتند؛ دیده بودیم ما یک جاهایی که سلاح انفرادی هم به قدر کافی نداشتند! این طرف مورد تهاجم این جوری بود.

خب، نتیجه باید چه میشد؟ طبق موازین عادی و قواعد عادی مادی باید نتیجه این میشد که آن طرف مقابل، همان طور که پیش‌بینی کرده بود، ظرف یک هفته، حداکثر چند هفته، از خوزستان عبور میکرد و وارد قلب کشور میشد و می‌آمد طرف تهران؛ [اما] این جوری نشد. همین نیروی کم‌توان، از بعد از حدود یک سال از شروع جنگ، فتوحات و درخشش‌های خودش را نشان داد؛ پی‌درپی ضربات مهلک بر آن ارتش مجهز و پولدار و برخوردار از همه‌ی پشتیبانی‌ها وارد کرد؛ آخرش هم بعد از هشت سال، آن ارتش را با سرافکندگی از مرزها بیرون کرد. این، توصیف جنگ در طول هشت سال؛ خلاصه‌اش این است. حالا [اینکه] عامل اصلی در این پیشرفت و در این پیروزی چه بود، اینها دیگر حرفهایی است که در اختیار شماها هست و میدانید؛ ایمان، مجاهدت و...

ج- گزارش تبیینی جنگ

گزارش تبیینی به نظر من مهم تر است. در گزارش تبیینی، ما میگوییم این جنگ فقط برای دفاع از خاک وطن نبود. البته دفاع از وطن یک ارزش است - اما مسئله‌ی این جنگ از این حرفها بالاتر بود؛ دفاع از اسلام بود، عمل کردن به دستور قرآن بود. این جنگ در مسیری قرار داشت که به آن مسیر، در تعبیرات دینی و ادبیات دینی، گفته میشود «جهاد فی سبیل الله»؛ دفاع مقدس، جهاد فی سبیل الله بود.

* دفاع مقدس، انقلاب و اسلام را زنده نگه داشت

* روح معنوی را در کشور ترویج کرد

* جوهر واقعی انسانی و ایمانی را در جوانها زنده کرد

دفاع مقدس، انقلاب را زنده نگه داشت، اسلام را زنده نگه داشت، ملت ایران را عزیز کرد، روح معنوی را در کشور ترویج کرد، جوهر واقعی انسانی

و ایمانی را در جوانها زنده کرد؛ جوانهایی که رفتند در میدان جنگ، از یک آدم معمولی تبدیل شدند به یک ولی الهی؛ مردانی که با یک نگاه ساده و معمولی به مسائل دینی وارد میدان جنگ شدند، مثل یک عارف الهی و معنوی از میدان جنگ بیرون آمدند.

امام بزرگوار ما یک عارف بزرگ بود، یک انسان والا بود؛ ایشان خطاب به خیلی از بزرگان، به طور عام، گفت هفتاد سال عبادت کردید، خدا قبول کند از شما، بروید یک مقدار هم وصیت نامه‌ی شهدا را بخوانید! یعنی این جوانی که وارد جبهه شده و مدتی در جبهه جهاد کرده و جان خودش را کف دستش گرفته و برای خدا حرکت کرده، راه هفتادساله‌ی آن مرد عارف عالم ملا را در مدت کوتاهی طی کرده؛ مضمون حرف امام این است.

د- عبادتگاه کردن میدان جنگ

این، باطن دوران جنگ ما است. هدف، اسلام بود؛ لذا سرتاسر جبهه عبادتگاه بود. همه جور آدمی هم در این حرف کلی شرکت داشتند. نصفه شب رفته بودیم از منطقه بازدید میکردیم، من دیدم یک افسر ارتشی یا درجه دار ارتش، کنار تانک ایستاده بود و نماز شب میخواند! از نماز شب یک ارتشی مثلاً در کنار گردان تانکش، تا مجلس توسل پُروح پُرشور بچه‌های سپاه و بسیج در قرارگاه‌هایشان، آنجایی که حضور داشتند، تا التماس یک افسر ارتشی برای رفتن در گروه‌های جهادی شبانه‌ی شهید چمران. همان روزهای اول [جنگ]، ما تازه رفته بودیم اهواز، یک شب یک افسری آمد پیش من گفت من یک درخواستی دارم؛ من اول خیال کردم ایشان میخواهد درخواست کند که مثلاً در شهرم گرفتاری دارم، به من مرخصی نمیدهند؛ اول این جوری خیال کردم؛ بعد، به من گفت درخواست من این است شبها که شهید چمران با یک گروهی میروند شکار تانک اجازه بدهند من هم جزو این گروه بروم؛ یعنی یک مرد مثلاً حدود چهل و چندساله، پنجاه ساله التماس میکند که اجازه بدهید که با این جوانها، دُوروبر چمران شبانه بروند با آرپی جی مثلاً فرض کنید تانک بزنند؛ این را بگذارید در کنار آن نوجوانی که سنش

را در شناسنامه زیاد میکند، برای اینکه بتواند برود جبهه؛ یا گریه میکند، التماس میکند به پدرش یا مادرش که اجازه بدهند، امضا بدهند که او برود جبهه؛ اینها را ما داشتیم. نمازهای با خشوع، گریه‌های نیمه‌شب، خدمات بی‌ریا؛ یا فرماندهی که نصفه‌شب بلند میشود می‌آید کفش رزمنده‌های خودش را واکس می‌زنند، لباسهایشان را میشوید؛ در هیچ ارتشی در دنیا، در هیچ میدان جنگی این چیزها وجود ندارد؛ این مخصوص جمهوری اسلامی است. در لحظات آخر زندگی، آب را نمی‌خورد برای اینکه رفیق تشنه‌اش با تشنگی شهید نشود؛ آب را به او حواله میدهد و خودش تشنه شهید میشود. اینهایی که در تاریخ خواندیم، در این جنگ از نزدیک یا دیدیم یا از کسانی که دیده بودند شنیدیم.

در زیر گلوله‌باران دشمن، جوانی [که بعد] شهید [شد] وصیت‌نامه مینویسد، در وصیت‌نامه درباره‌ی حجاب سفارش میکند؛ یعنی معنویت و تشرع و دلبستگی به حکم اسلامی و ایمان اسلامی در این حد است. به نظر من، این گزارش از جنگ، این نگاه به جنگ مهم‌تر از آن گزارش توصیفی است. اینجا است که خدای متعال قدرت خودش را در پیروزی بندگان صالح خودش نشان میدهد؛ اینجا است که معلوم میشود که اراده‌ی الهی برای بندگان صالح «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» است؛ بندگان صالح خدا مورد حمایت الهی قرار میگیرند. سختی میکشند اما خدای متعال به دنبال این سختی‌ها عزت داد، پیروزی داد، نصرت داد.

خب این دو نوع گزارش هر دو باید ثبت بشود، ضبط بشود. یک عده‌ای اینها را میدانند، دیده‌اند، خبر دارند، بیان

کنند؛ یک عده‌ای هم اینها را تبدیل کنند به محصولات جذاب که البته مقداری این کارها انجام گرفته. من سال گذشته گفتم آن مقداری که انجام گرفته باید صد برابر بشود؛ واقعه‌ش هم همین است؛ ما در این زمینه‌ها کم کار هستیم. در

در همان دوران انقلاب، در همان دوران جنگ اگر ما امکانات تبلیغی داشتیم، پیشرفت‌های کشور خیلی بیشتر از این چیزی که انجام گرفت، انجام میگرفت

همان دوران انقلاب، در همان دوران جنگ اگر ما امکانات تبلیغی داشتیم، پیشرفتهای کشور خیلی بیشتر از این چیزی که انجام گرفت، انجام میگرفت. ما امکانات تبلیغی محدودی داشتیم؛ بعکس، دشمن امکانات تبلیغی نامحدودی داشت؛ امروز هم تقریباً همین جور است. امروز هم ما هر چه میتوانیم بایستی امکانات را بیشتر کنیم. خب این مربوط به دفاع مقدس.

بخش سوم: وضعیت امروز لبنان و فلسطین

الف - تشابه وقایع امروز لبنان و فلسطین به جنگ تحمیلی

امروز یک واقعه‌ی مشابهی در لبنان و فلسطین در حال انجام است. این حوادث لبنان و فلسطین هم مثل حوادث جنگ تحمیلی و دفاع فی سبیل الله است. یک وسیله‌ی خبیث‌ترین

مردم فلسطین و غزه که دارند به معنای واقعی کلمه مجاهدت میکنند، در واقع دارند جهاد فی سبیل الله میکنند.

مقدس ما است؛ این هم جهاد کشور اسلامی، یعنی فلسطین، به کفار عالم غصب شده؛ حکم

قطعی شرعی این است که بر همه واجب است تلاش کنند، کمک کنند و فلسطین را به مسلمانها، به صاحبان اصلی‌اش برگردانند؛ مسجدالاقصی^۱ را برگردانند. اینجا یک حرکت الهی دارد انجام میگیرد؛ مردم فلسطین و غزه که دارند به معنای واقعی کلمه مجاهدت میکنند، در واقع دارند جهاد فی سبیل الله میکنند. آن کسانی که به اینها کمک میکنند، کمک به جهاد فی سبیل الله میکنند؛ حزب الله لبنان که به خاطر غزه سینه‌ی خودش را سپر میکند و در معرض این حوادث تلخ قرار میگیرد، دارد جهاد فی سبیل الله میکند.

در این نبرد هم دشمن کافر و خبیث از بیشترین تجهیزات برخوردار است؛ آمریکا پشت سرش است. آمریکایی‌ها میگویند ما دخالتی نداریم، خبر نداریم؛ خلاف واقع میگویند؛ هم خبر دارند، هم دخالت دارند، هم به پیروزی رژیم صهیونیستی احتیاج دارند. همین دولت کنونی آمریکا، برای انتخاباتی که در پیش دارند، احتیاج دارد که نشان بدهد که از رژیم صهیونیستی حمایت کرده و آن را پیروز کرده. البته به آراء مسلمانهای آمریکا هم احتیاج

مقاومت فلسطین پیروز است، حزب الله پیروز است

دارند، لذا تظاهر میکنند که دخالتی ندارند؛ [اما] دخالت دارند. پس دشمن از پول، از سلاح، از امکانات، از تبلیغات جهانی برخوردار است؛ طرف مقابل، مؤمنین، مجاهدین فی سبیل الله، عُسری از اعشار آن امکانات را هم ندارند اما در عین حال، آن کسی که پیروز است، طرف مجاهد فی سبیل الله است؛ مقاومت فلسطین پیروز است، حزب الله پیروز است. تا امروز هم این پیروزی مال طرف حزب الله و نیروهای مقاومت بوده؛ دلیلش، کشتار مردم است. اگر رژیم صهیونی خبیث توانسته بود نیروهای مبارز را، چه در غزه، چه در کرانه‌ی باختری، چه در لبنان، شکست بدهد، احتیاج نداشت صورت خودش را در دنیا این جور سیاه و کریه نشان بدهد و این جنایات را علیه خانه و مدرسه و بیمارستان و فرزند و کودک و زن انجام بدهد. نتوانسته؛ چون نیروی مقاومت پیروز بشود، ناچار است، ناگزیر است که تظاهر به غلبه بکند با زدن زنها و کودکان و مردم بی دفاع و ماشین در جاده و مدرسه و بیمارستان؛ پس تا الان هم او شکست خورده.

ب- استحکام سازمانی و انسانی حزب الله

بله، ضربه وارد میکنند؛ کسانی از عناصر مؤثر و ارزنده‌ی حزب الله را به شهادت رساندند که بلاشک، این خسارت بود برای حزب الله، اما این خسارتی نبود که حزب الله را از پا بیندازد؛ استحکام سازمانی و انسانی حزب الله بسیار بیشتر از این حرفها است؛ آنها، اقتدارشان، توانایی‌شان، استحکامشان خیلی بیشتر از این حرفها است که با این

شهادتها ضربه‌ی اساسی بخورند. بله، البته از دست دادن یک نفر، بخصوص اگر فرمانده باشد و سابقه‌ی جهاد فی سبیل الله داشته باشد، خسارت است؛ در این شکی نیست. بنابراین، هم تا امروز اینها پیروز شده‌اند، هم به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی الهی، پیروزی نهایی در این نبرد متعلق به جبهه‌ی مقاومت و جبهه‌ی حزب الله خواهد بود.

استحکام سازمانی و انسانی حزب الله بسیار بیشتر از این حرفها است؛ آنها، اقتدارشان، توانایی‌شان، استحکامشان خیلی بیشتر از این حرفها است که با این شهادتها ضربه‌ی اساسی بخورند.

بخش چهارم: پرچم نفوذ فرهنگی

رزمندگان ما، مجاهدان ما، برای اینکه پرچم دشمن در مرزهای ما برافراشته نشود، جان خودشان را قربان کردند، فداکاری کردند؛ جوانان مبارز و مجاهد، خانواده‌های خودشان را داغدار کردند برای اینکه پرچم دشمن در مرزهای این کشور بالا نرود؛

افراد نفوذی، به وسیله‌ی داخل کشور برافراشته بشود! فرهنگی و سبک زندگی

پرچم نفوذ فرهنگی و سبک زندگی دشمن و وسوسه‌های خصمانه‌ی دشمن، نباید در داخل کشور، در دستگاه‌های مختلف ما برافراشته بشود؛ باید مراقبت کرد؛ همه موظفند.

که همان پرچمها به وسیله‌ی انسانهای فریب‌خورده، در این پرچم، پرچم نفوذ

دشمن و وسوسه‌های خصمانه‌ی دشمن، نباید در داخل کشور، در دستگاه‌های مختلف ما برافراشته بشود! باید مراقبت کرد؛ همه موظفند. در وزارت آموزش و پرورش باید مراقبت کرد، در صداوسیما باید مراقبت کرد، در مطبوعات باید مراقبت کرد، در وزارت علوم و وزارت بهداشت باید مراقبت کرد. آنجا دشمن به وسیله‌ی رزمندگان ما شکست خورد، نباید گذاشت آن دشمن شکست خورده، در داخل کشور، با انحاء حيله‌ها و ترفندها کار خودش را دنبال کند و انجام بدهد.

بخش پنجم: مفاهیم پر تکرار

فراوانی و ابرواژگان بیانات رهبری در دیدار پیشکسوتان و فعالان دفاع مقدس و مقاومت
در بیانات رهبری واژه **جنگ** با ۳۵ بار تکرار بیشترین فراوانی را دارد و واژه‌گان **اسلامی، دفاع، کشور، ایران، دنیا و آمریکا** در رده‌های بعدی قرار دارند.

ردیف	واژه	فراوانی
۱	جنگ	۳۵
۲	اسلامی	۲۶
۳	دفاع	۱۵
۴	کشور	۱۵
۵	ایران	۱۴
۶	دنیا	۱۴
۷	آمریکا	۱۳
۸	نظم	۱۳
۹	ارتش	۱۱
۱۰	دشمن	۱۱



بخش ششم: جملات طلایی

- ❖ هفته‌ی دفاع مقدّس متعلّق به همه‌ی رزمندگان و مجاهدان و شهدا و خانواده‌های آنها و مانند اینها است، لکن پیش‌کسوتان و کسانی که زودتر و سریع‌تر و جدّی‌تر وارد میدان شدند، یک ارزش مضاعفی دارند.
- ❖ انگیزه‌ی حمله‌ی به مرزهای ایران انقلابی مخصوص صدّام و حزب بعث نبود.
- ❖ در این نقطه‌ی حسّاس دنیا یک انقلاب مردمی بی‌نظیر به وجود آمده بود و تفکّر نوینی را برای اداره‌ی جهان ارائه کرده بود
- ❖ دنیا به دو بخش تقسیم می‌شود: بعضی کشورها سلطه‌گرند، بعضی کشورها سلطه‌پذیرند.
- ❖ امروز هم مثل همان اوّل انقلاب، ما با نظام سلطه مخالفیم، با تسلّط آمریکا مخالفیم.
- ❖ امروز به برکت ایستادگی ملت ایران، به برکت حضور قدرتمندانه‌ی ملت ایران در صحنه‌های مختلف، آن جرئت را دیگر ندارند که به مرزها حمله کنند، و جور دیگری مشغول موزیگری و مشغول دشمنی کردن و عنادند.
- ❖ آن صدایی که با صراحت در قبال نظم غلط جهانی بلند شد، صدای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بود؛ مرکزش هم ایران اسلامی بود که با آن مخالف بودند؛ آن روز هم مخالف بودند، امروز هم مخالفند؛ مسئله این است؛ این را ما باید از بن دندان درک کنیم؛ بعضی این را درک نمیکنند.
- ❖ مسئله، مسئله‌ی انرژی هسته‌ای و حقوق بشر و حقوق زن و این حرفها نیست؛ اینها بهانه است. مسئله، مسئله‌ی آوردن سخنی نو در قبال نظم باطل فاسد تبعیض‌آمیز جهانی است که امروز بر دنیا حاکم است
- ❖ دو جور جاذبه در جمهوری اسلامی بود و هست: یک جاذبه‌ی سیاسی، یک جاذبه‌ی معنوی.
- ❖ جاذبه‌ی سیاسی عبارت بود از همین ایستادگی در مقابل نظم غلط جهانی؛ این جاذبه‌ی سیاسی دارد.
- ❖ جاذبه‌ی معنوی توجّه به ایمان الهی، ایمان دینی در نظام اسلامی است؛ این جاذبه دارد، این خیلی جاذبه دارد.
- ❖ در این دنیای مادی، جوانها در همین کشورهای به اصطلاح پیشرفته و متمدّن، احساس پوچی میکنند.
- ❖ «گزارش توصیفی»، یک جور گزارش است که گزارش شکلی جنگ است: جنگ چه جوری آغاز شد، چه جوری ادامه پیدا کرد، به کجا منتهی شد، وضعیّت دو طرف چگونه بود
- ❖ گزارش تبیینی؛ باطن جنگ را، باطن جبهه را، روح جبهه را برای ما روشن میکند و بیان میکند.
- ❖ این جنگ فقط برای دفاع از خاک وطن نبود. البتّه دفاع از وطن یک ارزش است اما مسئله‌ی این جنگ از این حرفها بالاتر بود؛ دفاع از اسلام بود، عمل کردن به دستور قرآن بود.
- ❖ دفاع مقدّس، جهاد فی سبیل الله بود. دفاع مقدّس، انقلاب را زنده نگه داشت، اسلام را زنده نگه داشت، ملت ایران را عزیز کرد، روح معنوی را در کشور ترویج کرد، جوهر واقعی انسانی و ایمانی را در جوانها زنده کرد.
- ❖ جوانهایی که رفتند در میدان جنگ، از یک آدم معمولی تبدیل شدند به یک ولیّ الهی.
- ❖ امام بزرگوار ما یک عارف بزرگ بود، یک انسان والا بود.
- ❖ سرتاسر جبهه عبادتگاه بود. همه جور آدمی هم در این حرف کَلّی «عبادتگاه کردن میدان جنگ» شرکت داشتند.

- ❖ نمازهای با خشوع، گریه‌های نیمه‌شب، خدمات بی‌ریا؛ یا فرماندهی که نصفه‌شب بلند میشود می‌آید کفش رزمنده‌های خودش را واکس می‌زند، لباسهایشان را می‌شوید؛ در هیچ ارتشی در دنیا، در هیچ میدان جنگی این چیزها وجود ندارد؛ این مخصوص جمهوری اسلامی است.
- ❖ در همان دوران انقلاب، در همان دوران جنگ اگر ما امکانات تبلیغی داشتیم، پیشرفتهای کشور خیلی بیشتر از این چیزی که انجام گرفت، انجام میگرفت.
- ❖ این حوادث لبنان و فلسطین هم مثل حوادث جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ما است؛ این هم جهاد فی سبیل الله است.
- ❖ یک کشور اسلامی، یعنی فلسطین، به وسیله‌ی خبیث‌ترین کفار عالم غصب شده؛ حکم قطعی شرعی این است که بر همه واجب است تلاش کنند، کمک کنند و فلسطین را به مسلمانها، به صاحبان اصلی‌اش برگردانند؛ مسجدالاقصی^۱ را برگردانند.
- ❖ اینجا یک حرکت الهی دارد انجام میگیرد؛ مردم فلسطین و غزه که دارند به معنای واقعی کلمه مجاهدت میکنند، در واقع دارند جهاد فی سبیل الله میکنند.
- ❖ آن کسانی که به اینها کمک میکنند، کمک به جهاد فی سبیل الله میکنند؛ حزب الله لبنان که به خاطر غزه سینه‌ی خودش را سپر میکند و در معرض این حوادث تلخ قرار میگیرد، دارد جهاد فی سبیل الله میکند.
- ❖ در این نبرد هم دشمن کافر و خبیث از بیشترین تجهیزات برخوردار است؛ آمریکا پشت سرش است.
- ❖ آمریکایی‌ها میگویند ما دخالتی نداریم، خبر نداریم؛ خلاف واقع میگویند؛ هم خبر دارند، هم دخالت دارند، هم به پیروزی رژیم صهیونیستی احتیاج دارند.
- ❖ همین دولت کنونی آمریکا، برای انتخاباتی که در پیش دارند، احتیاج دارد که نشان بدهد که از رژیم صهیونیستی حمایت کرده و آن را پیروز کرده.
- ❖ دشمن از پول، از سلاح، از امکانات، از تبلیغات جهانی برخوردار است؛ طرف مقابل، مؤمنین، مجاهدین فی سبیل الله، عسری از اعشار آن امکانات را هم ندارند اما در عین حال، آن کسی که پیروز است، طرف مجاهد فی سبیل الله است؛ مقاومت فلسطین پیروز است، حزب الله پیروز است.
- ❖ اگر رژیم صهیونی خبیث توانسته بود نیروهای مبارز را، چه در غزه، چه در کرانه‌ی باختری، چه در لبنان، شکست بدهد، احتیاج نداشت صورت خودش را در دنیا این جور سیاه و کریه نشان بدهد و این جنایات را علیه خانه و مدرسه و بیمارستان و فرزند و کودک و زن انجام بدهد.
- ❖ استحکام سازمانی و انسانی حزب الله بسیار بیشتر از این حرفها است؛ آنها، اقتدارشان، توانایی‌شان، استحکامشان خیلی بیشتر از این حرفها است که با این شهادتها ضربه‌ی اساسی بخورند.
- ❖ پرچم نفوذ فرهنگی و سبک زندگی دشمن و وسوسه‌های خصمانه‌ی دشمن، نباید در داخل کشور، در دستگاه‌های مختلف ما برافراشته بشود! باید مراقبت کرد؛ همه موظفند.

بخش هفتم: تحلیل کیفی بیانات

برای تحلیل محتوای کیفی این متن، از رویکرد تحلیل تماتیک استفاده کردیم. با این روش به کشف مضامین اصلی و معنای نهفته در بیانات و مفاهیم و پیام‌های کلیدی پرداخته‌ایم.

الف- آشنایی با متن و دسته‌بندی اطلاعات

با خواندن دقیق و مکرر متن، مفاهیم و عناصر کلیدی بیانات شناسایی و در چهار دسته‌ی کلی قرار داده شد:

* ارزش پیش‌کسوتان و دفاع مقدس: اشاره به نقش برجسته پیش‌کسوتان در جنگ تحمیلی به عنوان الگوی اخلاقی و ارزشی.

* چرایی جنگ تحمیلی: بیان علل جنگ، از جمله فشارهای بین‌المللی و نقش نظم جهانی در تحریک صدام به حمله به ایران.

* مخالفت با نظم سلطه: نقد نظام سلطه‌گر جهانی و تأکید بر نقش انقلاب اسلامی ایران در مقابله با این نظم.

* جاذبه‌های جمهوری اسلامی: اشاره به جاذبه‌های سیاسی و معنوی جمهوری اسلامی که ملت‌ها را به خود جذب کرده است.

ب- کدهای کلیدی:

پیش‌کسوتان: تقدیر از کسانی که در مراحل اولیه دفاع مقدس مشارکت کردند؛ به‌ویژه فرماندهان، رزمندگان و پشتیبانان

علت جنگ: نقش جهانی، مخالفان انقلاب اسلامی و تلاش برای مقابله با تفکر نوین ایران

نظم سلطه‌گر: نقد نظام دو قطبی جهان و تأکید بر سلطه‌گری قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا و شوروی

جاذبه معنوی و سیاسی: تأثیرات معنوی اسلام و مقاومت در جذب ملت‌های جهان

ج- تفسیر داده‌ها (Data Interpretation)

نقد نظم سلطه: یکی از نکات مهم بیانات، نقد نظم جهانی است. رهبر معظم انقلاب تأکید می‌کنند که حمله به ایران نه به دلیل مسائل نظامی یا حقوق بشر، بلکه به خاطر تفکر نوین و مقاومت در برابر سلطه‌گری جهانی است.

نقش پیش کسوتان: ارزش پیش کسوتان در مشارکت در جنگ و مقاومت به عنوان یک الگوی تاریخی مورد تأکید است. این افراد به دلیل پیشگامی و از خود گذشتگی، ارزش والاتری نسبت به دیگران دارند.

جاذبه‌های انقلاب اسلامی: بیانات به دو جاذبه‌ی کلیدی اشاره می‌کند؛ جاذبه‌ی معنوی که به ایمان الهی و دینی مرتبط است و جاذبه‌ی سیاسی که ناشی از مقاومت در برابر نظم جهانی است. این جاذبه‌ها توانسته‌اند ملل مختلف را جذب کنند.

د- نتیجه‌گیری و سازماندهی نهایی

این سخنرانی در پی تبیین علل جنگ هشت‌ساله، نقد نظم سلطه‌گر جهانی، و تمجید از پیش کسوتان دفاع مقدس است. در تحلیل محتوای این متن، به وضوح می‌توان مشاهده کرد که پیام اصلی تأکید بر ارزش مقاومت و ایستادگی در برابر نظام سلطه‌گر جهانی است. جمهوری اسلامی به عنوان یک نیروی انقلابی که بر خلاف نظم جهانی عمل می‌کند، با جاذبه‌های سیاسی و معنوی خود توانسته است ملت‌های جهان را به سمت خود جذب کند.